

صاحب اصول کافی و تحریف قرآن؟!

شیخ کلینی نیاز به معرفی ندارد در این میان آنچه به عنوان شبهه اعتقادی وی به تحریف قرآن مطرح است، چه وجاهتی می‌تواند داشته باشد؟



شیخ کلینی نیاز به معرفی ندارد در این میان آنچه به عنوان شبهه اعتقادی وی به تحریف قرآن مطرح است، چه وجاهتی می‌تواند داشته باشد؟

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی معروف به شیخ کلینی به روایتی در دوره امام عسکری (ع) به دنیا آمد و آن دوره را درک کرد. روایتی دیگر معتقد است که وی در دوره غیبت صغری به دنیا آمده است.

کلینی اولین کتاب حدیثی شیعه را جمع کرد و آن را اصول کافی خواند. این کتاب از منابع معتبر شیعی و یکی از منابع چهارگانه شیعیان است. وی برای هر حدیث سندی ارائه داد و در نقل احادیث دقت بسیاری داشت. وی با برخی از ناقلان حدیث از امامان هم‌دوره بوده است. وی در سن هفتاد سالگی و همزمان با آغاز غیبت کبری وفات یافته و در کوفه به خاک سپرده شد.

شبه اعتقاد کلینی به تحریف قرآن

تعدادی از احادیثی که در کتاب کافی آمده است، دال بر تحریف شدن قرآن دارد. این در حالی است که شیعیان این مساله را باور ندارند. کتاب‌الله دارای 6232 آیه است، حال آنکه حدیثی در کتاب کافی تعداد آیات را 17 هزار آیه عنوان می‌کند، آیا کلینی به تحریف قرآن اعتقاد داشت؟

کتاب کافی نقطه عطفی در منابع شیعه محسوب می‌شود. این درحالی است که برخی از افراد براساس حدیث کمیت آیات قرآن کلینی را قائل به تحریف قرآن دانسته‌اند.

با وجود چنین حدیثی در کافی که در دسترس ما قرار دارد آیا می‌توان چنین ادعایی را مطرح کرد؟ بسیاری از عالمان شیعه چنین اعتقادی را نقد و رد کرده‌اند.

عدم اعتقاد کلینی بر جعل قرآن

چالش‌های اعتقاد به اینکه صاحب کتاب کافی قائل به تحریف قرآن بوده است، عبارت است از این که «اولا شبهه مرحوم کافی بر ارزیابی و نقد روایات نیست. ثانيا ذکر روایات در کتاب روایی هرگز بیانگر اعتقاد مولف آن به تک تک مضامین آن روایت نیست.»

با وجود صحت سندی به جهت مخالفت آن با نصوص قرآنی نمی‌توان بر وثاقت حدیث حکم داد. «ثالثا اگر هم روایاتی در کافی بر تحریف به معنای مورد نزاع (تحریف لفظی شامل تبدیل، افزایش یا کاهش در الفاظ قرآن) دلالت داشته باشند با احادیثی دیگر از جمله احادیث کافی «فضل القرآن» در تعارض‌اند.»

کتاب «فضل القرآن» اثر دیگر کلینی است که در آن نویسنده کافی روایات بیش‌تر و با متنی قوی‌تر و نیز تحت عناوینی روشن درباره اوصاف و آثار قرآن پرداخته است.

کلینی به قاعده عرضه اخبار بر قرآن قائل بوده است و از این رو نمی‌توان این شبهه را پذیرفت که وی احادیث را به قرآن عرضه نکرده و پذیرفته است.

با توجه به آنچه گفته شد بزرگان عالم تشیع که پس از کلینی می‌زیستند، هیچ کدام از روایات کافی و نیز عناوین ابواب آن، تحریف قرآن را استنتاج نکرده‌اند. شیخ صدوق، شیخ مفید و دیگران به نقد با تأویل حدیثی پرداخته‌اند که کلینی آن را در کافی ذکر کرده است.

استاد نجارزادگان در مقاله‌ای که در خصوص این شبهه نوشته است، چنین نتیجه می‌گیرد، «حدیثی که در کتاب کافی عدد آیات قرآن را هفده هزار می‌شمرد، به لحاظ سند صحیح ولی به لحاظ متن با ادله سلامت قرآن از تحریف و تعارض و با دشواری‌های جدی روبروست. از دیدگاه مرحوم کلینی این حدیث در صورت عدم حل مشکل ساقط خواهد بود، چون دست کم با روایاتی فراوان در خود کافی از جمله حدیث کتاب فضل القرآن در تعارض است.»

شیخ صدوق نیز شبهه اعتقاد به قرآنی دیگر را صراحتاً نقد و رد کرده و می‌گویند: «اعتقاد ما (شیعیان) این است که قرآنی که خدای متعال بر پیامبرش محمد(ص) نازل فرموده همین قرآنی است که بین دو جلد در دست مردم است و بیش از این نیست و هرکس به ما (شیعیان) نسبت دهد که ما قرآن را بیش از آن می‌دانیم دروغ‌گوست.»